



برخی ایالت‌های امریکا، بخش‌هایی از کانادا، استرالیا، رژیم اشغالگر قدس و بسیاری دیگر از کشورهای دنیا قوانین محدودکننده‌ای برای سقط جنین دارند و می‌کوشند با رفع موانع اقتصادی، نگرش والدین را برای داشتن فرزند مجاب کنند، زیرا امروز جمعیت مسئله اغلب کشورهای دنیاست

گفت‌وگوی «جوان» با پژوهشگر حوزه جمعیت

بدون داشتن جمعیت جوان و فعال رشد اقتصادی و توسعه به یک شوخی شبیه است

زهرا چبذری

بخش صدای تپش قلب جنینش با تکان خوردن او در دلش هم‌زمان می‌شود. حالا تصاویر فرار جنین از چنگال دستگاه کورتاز که سال‌ها پیش در مستندی دیده بود، جلوی چشمانش زنده می‌شود و با تصاویری که از نوزاد و صدای گریه‌اش هنگام تولد بخش می‌شود در هم می‌آمیزد. به یکباره از جا بلند می‌شود و از تصور اینکه عزمش را جزم کرده بود جنینش را بکشد تنش می‌لرزد. حالا دیگر مطمئن است می‌خواهد فرزندش را نگه دارد. بخش صدای قلب و تصاویری از آینده جنینی که قرار است سقط شود برای مادر اقدامی است که در ایالت تگزاس امریکا انجام می‌شود و تاکنون با این روش مادران زیادی را از سقط

آقای قاسمی! به‌رغم منع قانونی و فقهی سقط جنین، آمارهای قابل‌تأملی از این پدیده ارائه می‌شود. شما به عنوان پژوهشگر حوزه جمعیت آمار و ارقامی از سقط جنین دارید؟

حدود یک سوم تعداد تولدهای کشور در پدیده سقط جنین از بین می‌رود و این نکته بسیار مهمی است. تا پایان سال ۹۶ ما سالانه حدود یک میلیون و ۱۰۰ هزار تولد داشته‌ایم و در مقابل به طور میانگین حدود ۵۵۰ هزار مرگ و میر داریم. در واقع سود جمعیتی سالانه ما حدود ۵۰۰ تا ۵۵۰ هزار نفر می‌شود. اما در مقابل این موضوع پدیده سقط جنین سالانه بین ۳۵۰ تا ۵۰۰ هزار جنین را از بین می‌برد و در واقع مانع تولد آنها می‌شود. پس پدیده سقط جنین می‌تواند بر مسئله رشد جمعیت و بحران‌ی که در این حوزه به آن دست و پنجه نرم می‌کنیم تأثیر گسترده‌ای داشته باشد، درست است؟

دقیقاً سقط جنین یا به تعبیری اسقاط جنین یکی از موضوعات بسیار مهم امروز کشور ماست که روی شاخص‌های جمعیتی تأثیر جدی می‌گذارد. وقتی سالانه بین ۳۵۰ تا ۵۰۰ هزار جنین سقط می‌شود، اگر اینها به دنیا می‌آمدند، ببینید آمار موالید ما چقدر بالا می‌رفت! به این ترتیب می‌بینید که مسئله سقط جنین بسیار مهم است.

با توجه به اینکه سقط جنین‌ها اغلب غیر قانونی هستند آمار سقط‌ها چگونه به دست می‌آید و چقدر قابل‌اعتناست؟

آمارها درباره سقط جنین متفاوت است. با توجه به اینکه بخش مهمی از سقط جنین، سقط جنین‌های غیرقانونی و خارج از شبکه بهداشت و درمان است و داشتن آمارهای دقیق درباره آن کمی دشوار است اما هر حال به روش‌های خاصی می‌شود برای آن تخمین قابل‌قبولی زده. آنچه امروز مطرح است و وزارت بهداشت هم آن را می‌پذیرد حدود ۳۵۰ هزار سقط جنین در سال است که بعضاً تا ۵۰۰ هزار هم گفته می‌شود. به این ترتیب سقط جنین مانع تولد جنین‌هایی می‌شود که ما به شدت با آنها نیاز داریم و با کاهش آمار تعداد تولدها نیاز ما به اینکه جنین‌های سقط شده بیشتر هم هست.

همانطور که مستحضر هستید در ایالت تگزاس امریکا قانون منع سقط جنین سر و صدای زیادی به پا کرده و تاکنون با یدن موفق به لغو این قانون نشده است. بر این اساس صدای قلب جنین برای زنانی که قصد سقط جنین دادند گذاشته می‌شود تا آنها را از این کار منصرف کند. البته قانون منع

جنینشان منصرف کرده‌اند. در این ایالت و بسیاری از ایالت‌های دیگر امریکا، قانون مانع از سقط جنین می‌شود و تلاش‌های مخالفان این قانون در تگزاس تاکنون به نتیجه نرسیده و طرفداران سقط جنین در امریکا و حتی جو بایدن رئیس‌جمهور این کشور که از حامیان سقط جنین است تاکنون نتوانسته قانون منع سقط جنین در برخی ایالت‌های امریکا از جمله ایالت تگزاس را لغو کند. در این ایالت با ایده خلاقانه بخش صدای قلب جنین برای مادرانی که می‌خواهند جنینشان را سقط کنند، آنها را از انجام این کار منصرف می‌نمایند. قوانین محدودکننده سقط جنین تنها مختص امریکان نیست و بسیاری از کشورهای چنین قوانینی را اجرایی می‌کنند. در ایران هم آمار سقط جنین که اتفاقاً بخش عمده آن به صورت غیرقانونی

به آنها آگاهی دهیم که سقط جنین در موارد قابل توجهی منجر به عقیم شدن خانم‌ها می‌شود یا در مواردی مشکلات روحی و روانی بسیار طولانی مدتی برای والدین ایجاد می‌کند. ما آسیب‌های حوزه بهداشتی و پزشکی سقط جنین را به خانواده‌ها و به خانم‌های جوان نگفته‌ایم. در کنار اینها باید به زوج‌های جوان این آگاهی را بدهیم که تصور آن که تمام آنچه در حوزه فرزندآوری اتفاق می‌افتد باید بر نامرئزری شده باشد اشتباه است.

یعنی پدر و مادر به خاطر برنامرئزری شده نبودن حاضر می‌شوند فرزند خود را بکشند؟

در پژوهشی یکی از اصلی‌ترین علت‌هایی که زوجین جوان اقدام به سقط جنین می‌کردند این بود که آنها



ما حداکثر هفت، هشت سال تا یا پان مہلت اصلاح ساختار جمعیتی و الگوی فرزندآوری مان زمان داریم. برای این راهی نداریم جز اینکه هم برای اصلاح جمعیت قانون داشته باشیم و هم فرهنگ‌سازی کنیم. هر دوی این موارد بسیار مهم هستند

در موضوع سقط جنین دو کار عمده باید اتفاق بیفتد. یکی اینکه قوانین دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌هایی در این رابطه باید اصلاح شود، چراکه قوانین ما در این رابطه بسیار ناقص است. بنابراین قانون مدیریت سقط باید اصلاح شود. بدین منظور حتماً باید تمام ابعاد این موضوع دیده شود و یک قانون جامع با همکاری حوزه‌های علمی، دانشگاه‌های علوم پزشکی و به ویژه با مشارکت دقیق ماماها‌ی محترم که در ارتباط مستقیم با خانم‌ها هستند این قانون تدوین شود. این قانون باید جامع بوده و حداقل نقص و اشکال را داشته باشد. ضمن اینکه این قانون بعد از تدوین باید به درستی اجرا شود. ما حتی اگر یک قانون خوب و جامع داشته باشیم اگر به درستی اجرا نشود، باز هم به هدفمان نمی‌رسیم. پس نکته اول داشتن یک قانون جامع است که به درستی اجرا شود. نکته بعدی اینکه باید پیامدهای بهداشتی، پزشکی و روان‌پزشکی سقط جنین را خیلی روشن و صریح به والدین و زوج‌های جوان بگوییم و



گفت‌وگو با زهرا چبذری

خارج از سیستم بهداشت و درمان کشور صورت می‌گیرد بسیار قابل‌تأمل است. به خصوص اینکه در کشور ما هم سقط جنین در قانون جرم‌انگاری شده و قوانین از سقط جنین حمایت نمی‌کند. آمار ۳۵۰ تا ۵۰۰ هزار سقط در سال نشان می‌دهد حدود یک سوم آمار موالید در کشور سقط می‌شوند! این آمار نشان می‌دهد ما در قوانین مرتبط با سقط جنین، اجرای این قوانین و یا بحث‌های فرهنگی پیرامون این مسئله با خلاءهایی مواجه هستیم. به سراغ صالح قاسمی، مسئول کارگروه جمعیت مرکز آرایه‌ای اجرای سیاست‌های کلی نظام و نویسنده مجموعه کتاب «جنگ جهانی جمعیت» رفته و درباره پدیده سقط جنین در کشور و آثار آن بر ابر بحران امروز جامعه یعنی جمعیت با وی به گفت‌وگو نشستیم.

معتقد بودند بارداری برنامه‌ریزی نشده یا به تعبیر عامیانه طرفین، فرزند ناخواسته و خارج از برنامه‌ریزی ما بوده است. در حالی که ما باید این را متوجه شویم که امروز چه برنامه‌ریزی خوب است اما تا کجا؟ و آیا ما واقعاً می‌توانیم در تمام شئون زندگی مان برنامه‌ریزی‌های کاملاً دقیق و فاقد اشکال داشته باشیم؟ آیا هیچ اتفاقی خارج از برنامه ما در موضوع فرزندآوری و در هر موضوع دیگری در زندگی مان نمی‌افتد؟ پس باید این تصور کاملاً اصلاح شود که همه چیز باید برنامه‌ریزی شده باشد و اگر فرزند ی خارج از برنامه ما به وجود آمد باید آن را کشت. نکته بعدی اینکه ما باید کلیه واژه‌هایی را ناظر به واقعیت مسئله سقط جنین ایجاد کنیم.

من خیلی تلاش کردم از این کلیه واژه‌ها ایجاد کنم که نشان بدهد واقعیت این مسئله در کشور بحران‌ی است. متأسفانه چون بعضی از خانم‌ها فرزندشان را تا قبل از تولد بخشی از بدن خودشان می‌دانند و نسبت به او احساس مالکیت کرده و احساس می‌کنند نسبت به بدنشان هر کاری که دوست داشته باشند می‌توانند انجام دهند، اقدام به سقط جنین می‌کنند. اما این خاستگاه ما باید بدانیم که این فرزند یک موجود زنده و جاندار و دارای حس است و حقوقی دارد که این حقوق هم در قانون و هم در مبانی اخلاقی و هم در ابعاد فقهی و شرعی دیده شده است. این‌ها هنوز نیست که ما تصور کنیم جنین یک موضوع موجود جاندار نیست و یک شیء است. جنین شیء نیست و یک انسان جاندار دارای درک و احساس است و باید برای این کلیه واژه ایجاد کنیم.

چطور؟ درباره این کلیه واژه‌ها مصداقی‌تر توضیح دهید.

به عنوان مثال چند نمونه از این کلیه واژه‌ها که ما در

جلساتمان به آن رسیده‌ایم را خدمتان عرض می‌کنم. مثل «بابا مامان من زنده‌ام»، «مامان قاتل من» و «می‌خواهم زنده بمانم». اینها کلیه واژه‌هایی است که می‌تواند به مادرهای محترم این حس را القا کند که نسبت به تصمیم‌شان دقت نظر داشته باشند.

اگر بخواهید تصویری از سیمای کنونی و آینده جمعیتی کشور ارائه بدهید آن تصویر چگونه است و چه آینده‌ای برای جمعیت کشور متصور هستید؟

اگر شاخص‌های جمعیتی ما با روند کنونی پیش برود، اوضاع بحرانی خواهد بود. در واقع در حال حاضر ما با یک نرخ رشد جمعیتی حدود شش دهم درصد نزدیک به نیم درصد و با نرخ باروری یک و ششم دهم فرزند به ازای هر زن که باز هم رو به کاهش است مواجهیم. نرخ سالمندی کشور ما در حال حاضر ۱۰/۵ درصد جمعیت بالای ۶۰ سال است که این نرخ باز هم در حال افزایش است. تعداد تولد در کشور حدود یک میلیون و ۱۰۰ هزار تولد در سال است که به طور جد در حال کاهش و سقوط است. ما با این شاخص‌ها آینده تاریکی برای جمعیت کشورمان متصور هستیم.

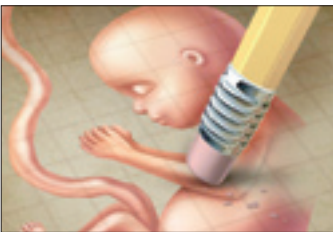
آیا هنوز می‌توانیم برای نجات آینده تاریک جمعیت کشور کاری کنیم؟

ما حداکثر هفت، هشت سال تا پایان مهلت اصلاح ساختار جمعیتی و الگوی فرزندآوری مان زمان داریم. برای این راهی نداریم جز اینکه هم برای اصلاح جمعیت قانون داشته باشیم و هم فرهنگ‌سازی کنیم. هر دوی این موارد بسیار مهم هستند.

و کلام پایانی...

در پایان با صراحت و صداقت و خیرخواهی تمام به دولت جدید عرض می‌کنم زمان برای از دست دادن هیچ وجه قابل‌بیادمانی نیست. بنابراین باید حتماً در این رابطه دولت محترم ورود کند. اول از همه موضوع جمعیت باید صاحب متولی شود. متأسفانه مسئله جمعیت کشور امروز بی‌صاحب و فاقد یک نهاد متولی مشخص است و ما از این آسیب می‌بینیم. اگر دولت منتظر اجرای طرح جوانی جمعیت است که الان در شورای نگهبان در حال رسیدگی است می‌تواند تا آن زمان با حتی برای همیشه رئیس‌جمهور محترم یک مشاور عالی جمعیتی منصوب کند و تمامی مصوبات و لوایح هیئت دولت و البته سازمان برنامه و بودجه و تمامی دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها یک پیوست جمعیتی داشته باشد. دولت محترم اگر دغدغه اقتصاد دارد باید حتماً فکری به حال جمعیت کند، چون بدون داشتن جمعیت جوان و فعال رشد اقتصادی و توسعه به یک شوخی شبیه است.

یادداشت



قتل‌های بی‌صدا!

کبری فرشچی

تغییر سیاست‌های جمعیتی نیازمند تغییر در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. مسئله جمعیت امری است که با مردم و خانواده و تصمیم‌گیری آنها برای تعداد فرزندان همراه است و باید با اقتان آنان همراه باشد. به همین خاطر هم نمی‌توان با تصمیم‌گیری پشت‌درهای بسته و در مجلس و هیئت وزیران انتظار داشت مردم با این سیاست‌ها همراهی کنند. همچنان‌که سیاست‌های تحدید جمعیت در کشور که طی سال‌های ۷۱ تا حدود سال ۹۱ اجرایی می‌شد نیز در کنار گرفتن تدابیر سختگیرانه و تنبیهاتی همچون عدم صدور دفترچه بیمه برای فرزند چهارم، با فرهنگ‌سازی همراه بود و تمامی برنامه‌های تلویزیونی و حتی آگهی‌های بازرگانی تنها یک فرزند یا حداکثر دو فرزند در خانواده وجود داشت و این ماجرا هنوز هم ادامه دارد. از سوی دیگر شعار «فرزند کمتر زندگی بهتر» حتی روی قوطی کبریت و قوطی شامپو هم پیش چشم مردم رژه می‌رفت. در حالی که طی یک دهه اخیر و با تغییر سیاست‌های جمعیتی در کشورمان شاهد پیوست‌های فرهنگی، اقتصادی متناسب با این تغییر نبوده‌ایم. همین مسئله هم موجب شده تا هر سال با کاهش موالید بیشتری مواجه باشیم. همچنان که پدیده‌های ضد رشد جمعیت همچون سقط جنین نیز رو به افزایش است، چراکه هنوز اقتاع فرهنگی لازم برای مجاب کردن عامه جامعه به داشتن فرزند بیشتر صورت نگرفته و از سوی دیگر شرایط اقتصادی نیز همچنان برای خانواده‌ها چالش‌زاست. به همین خاطر هم خانواده‌ها هنوز برای داشتن فرزند بیشتر تردید دارند و همین تردید گاهی آنها را به سمت سقط جنین پیش می‌برد.

سقط جنین گاهی وقت‌ها راهکاری است که از نظر پزشکی پیش‌پای مادر گذاشته می‌شود. وقتی مادر یا جنین بیمارند و ادامه بارداری از منظر پزشکی امکان‌پذیر نیست و می‌تواند منجر به عسر و حرج برای مادر و یا تولد نوزاد ناقص الخلقه‌ای شود، سقط جنین می‌تواند یک راهکار پزشکی باشد. به همین خاطر قانون برای موارد اینچنینی تمهیداتی اندیشیده و در مواردی که اندک‌کسیون‌هایی آن طبق قوانین سازمان پزشکی قانونی مشخص است و با مادران و پزشکان اجازه می‌دهد تا به بارداری خاتمه دهند.

از نظر سقط درانی در سال ۱۳۸۴ تصویب شد. طبق این قانون سقط درانی جنین با رضایت زن، با تشخیص سه پزشک و تأیید پزشکی قانونی، قبل از چهار ماهگی (۱۹ هفته‌گی) قابل‌انجام است. به مواردی که بر اساس این قانون، اجازه سقط جنین قانونی داده می‌شود، اندک‌کسیون می‌گویند. اندک‌کسیون‌هایی که در زمان تصویب این قانون مینا قرار گرفت عبارت بودند از: بیماری مادر که تهدید جانی برای او محسوب می‌شود، بیماری جنین و عقیم‌ماندگی و ناقص‌الخلقه بودن جنین. دستگاه‌ها، امکانات، بررسی‌های کلینیکی، آزمایش‌های بیوشیمیایی و ژنتیکی امکان تشخیص عقیم‌ماندگی جنین را به‌طور کامل فراهم می‌کنند، اما در حال حاضر حتی در رابطه با سقط جنین قانونی هم اما و اگرهای متعددی وجود دارد. تا جایی که به گفته محتاج‌الاقصام و المسلمین دکتر «سول مزروعی» مدیر گروه فصول و تخصصیات قوه قضائیه بسیاری از این موارد غیر شرعی است!

با وجود این آمار سقط‌های قانونی اما لاقدر در مقایسه با آمار سقط جنین غیر قانونی چندان بالا نیست. طبق آمارهای رسمی اعلام شده سالانه چیزی حدود ۱۰ هزار سقط جنین قانونی در کشور اتفاق می‌افتد. این در حالی است که بسیاری از کارشناسان حوزه جمعیت و خانواده و حتی برخی گزارش‌های رسمی وزارت بهداشت آمار سقط جنین غیرقانونی را چیزی حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار مورد در سال عنوان می‌کنند. به بیسان دیگر آمار سقط جنین غیرقانونی ۴۰ برابر آمار سقط جنین قانونی است!

بدیهی است اگر این جنین‌ها فرصت تولد پیدا کنند می‌توانند آمارهای جمعیتی کشور را جابه‌جا و اصلاح کنند. اما سقط جنین‌های غیر قانونی که برخی با تپش دوار از بازار سیاه و برخی در مراکز زیر زمینی انجام می‌شود تنها دارای تبعات منفی اجتماعی نیست بلکه این مسئله برای خود زنانی که اقدام به سقط جنین می‌کنند هم تبعات گسترده‌ای دارد. طبق آمارها سقط جنین غیر قانونی در ۵ درصد مادران باعث مرگ، در ۲۰ درصد مادران باعث معلولیت و در برخی از موارد باعث برداشته شدن کامل رحم می‌شود و البته پیامدها و عوارض بسیار متعدد روحی و روانی که گریبانگیر مادر و حتی پدر می‌شود.

این در حالی است که ایران هم یکی از کشورهای است که برای سقط جنین جز در موارد پزشکی محدودیت‌های شرعی و قانونی دارد. با وجود این آمارهای رسمی و غیر رسمی سقط جنین در کشورمان بالاست و این مسئله نشان می‌دهد یا

ایراد از قانون است یا اجرای قانون!